

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: حمید محوی
۱۳ اپریل ۲۰۱۴

فرانسوا هولاند سیاست خود را آشکار می سازد

افکار عمومی فرانسه انتخاب دولت جدید را پس از شکست انتخاباتی سوسیالیست ها در انتخابات شهرداری، با بی اعتمادی دریافت کرد. افکار عمومی در راستای منافع اقتصادی در سطح عمومی، از سر تسلیم اصلاحات اعلام شده را پذیرفت. در واقع، به گونه ای که تی یری میسان می بیند، تغییر دولت هیچ ارتباطی نه با شکست اقتصادی دارد و نه با فرصت پیش آمده از این شکست انتخاباتی، بلکه بازتولید نمونه ای تاریخی است که به رئیس جمهور فرانسوا هولاند اجازه می دهد که به تدریج انتخاب سیاست شخصی خود را آشکار سازد. به همین گونه اصلاحات منطقه ئی به شکلی که در نظر گرفته شده هیچ ارتباطی به بودجه اقتصادی ندارد، بلکه طرح اصلی از میان بردن جمهوری فرانسه است.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | ۱۱ اپریل ۲۰۱۴



از وزاری قدیمی ژان- مارک آیو دولت جدید مانوئل والس تشکیل می گردد. تنها دو نفر عوض شده است.

به مثابه پاسخ به شکست سوسیالیست در انتخابات شهرداری ۲۳ و ۳۰ مارچ ۲۰۱۴، دولت جدید مانوئل والس در واقع معرف چرخش فرانسوا هولاند در مصاحبه مطبوعاتی ۱۴ جنوری است. رئیس جمهور، به عنوان سر دبیر قدیمی حزب سوسیالیست انتخاب شد، نه تنها الگوی استعماری ژول فری را نفی نکرده و تا اینجا از آن تبعیت نمود بلکه علاوه بر این می خواهد الگوی مناسبات با شرکت های بزرگ را از صدر اعظم المان گرهارد شرودر به عاریت بگیرد.

هنگام پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، رئیس جمهور فرانسوا هولاند برنامه پنج ساله خود را با باز شناسی پدرخواندگی ژول فری (۱۸۳۲-۱۸۹۳) آغاز کرد که از منافع سرمایه داری بزرگ فرانسه با تکیه به گسترش استعمار دفاع می کرد (۱). سوسیالیست بزرگوار مدرسه لائیک را رایگان و اجباری اعلام کرد تا «سواران سیاه» (نامی برای آموزگاران سومین جمهوری فرانسه) از جوانان فرانسه سربازان مناسبی برای گسترش استعماری و برای جنگ جهانی اول تربیت کنند. همزمان، ژول فری به مبارزه علیه کلیسای کاتولیک دامن زد، و بر این اساس خشم طبقه ستمدیده را به جای بورژوازی به سوی کشیش ها منحرف ساخت.

نخستین بخش از ریاست جمهوری فرانسوا هولاند تمدید جنگ در سوریه را رقم زد — که نیکلا سرکوزی پس از سرنگونی امارات اسلامی در بابا عمرو از آن بیرون آمده بود — (۲)، مداخله در کشور مالی به درخواست رئیس جمهور توسط فرانسه راه اندازی شد (۳)، سپس مداخله در جمهوری افریقای مرکزی (۴). تمام این ماجراجویی ها از کاخ الیزه سر چشمه گرفت، و غالباً همراه بود با مخالفت سران ارتش فرانسه، مانند فرمانده مرکز فرماندهی میان ارتشی و وزیر دفاع، رئیس کابینه نظامی، ژنرال سنتگرا بنوا پوگا (۵).

علاوه بر این، رئیس جمهور هولاند اصلاحات قانون ازدواج همجنسگرایان را به تصویب رساند، و چنین اقدامی به درخواست خود همجنسگرایان نبود که صورت گرفت، بلکه هدف از تصویب چنین قانونی ایجاد اختلاف در میان مخالفان راستگرا بود تا آنها را به تاریک اندیشی تشبیه سازد. او در عین حال کوشید تا نظریه امثال جودیت باتلر را تحمیل کند، ولی به نظر می رسد که حتی در مقابل وجود نظریات این فمینیست عقب نشینی و آن را نفی کرده است.

دومین بخش از برنامه پنج ساله، که روز ۱۴ جنوری اعلام شد، یعنی دو ماه و نیم پیش از انتخابات شهرداری، و مدعی «سوسیال-دموکراسی» به مفهوم برنامه ۲۰۱۰ صدر اعظم المان گرهارد شرودر است: به این معنا که به هدف ارتقای تولید می خواهد کار شرکت های بزرگ را تسهیل سازد. این سیاست ده سال پیش موجب سبک بال شدن دولت فدرال و موفقیت شرکت های صادر کننده در رقابتهایش شد، ولی از سوی دیگر به اختلاف طبقاتی عمیق تر و فقر گسترده تری دامن زد. فرانسوا هولاند حتی از پیتر هرتس، مشاور قدیمی صدر اعظم شرودر برای ملاقات در کاخ الیزه دعوت به عمل آورد، ولی خواست همکاری با او را نفی کرد: در مورد پیتر هرتس باید دانست که این مدیر قدیمی بخش نیروی انسانی فولکس واگن به جرم بزهکاری و با خرید سندیکالیست های شرکت مربوطه اش با دو میلیون و ششصد هزار یورو فاحشه و سفرهای آفتابی، به دو سال زندان محکوم شده بود. مشخص نشده است که آیا رئیس جمهور فرانسوا هولاند می خواهد الگوی پیتر هرتس را در چهارمین طرح اصلاحی خود نیز به کار ببندد که بیمه کار را به سه ماه محدود می سازد.

رئیس جمهور در عین حال اعلام کرد که می خواهد طرح «ازدواج برای همگان» را مختومه سازد زیرا انسجام اکثریت خودش را در پارلمان مورد تهدید قرار داده بود.

انتخابات شهرداری

تا کنون، هرگز در تاریخ فرانسه انتخابات شهرداری به تغییر دولت نینجامیده بود. ناممکن به نظر می رسد که از نتایج صندوق های رأی محلی بتوانیم نتیجه گیری کنیم. با این وجود، اگر ۷۸۸ منطقه با بیش از ۵۰۰۰۰ ساکن (یعنی ۲۳ در

صد جمعیت فرانسه) را در نظر بگیریم، می بینیم که شمار افرادی که به دو سال پیش به فرانسوا هولاند رأی دادند کاهش چشم گیری داشته است. وسعت واکنش منفی تا جایی پیش رفت که حتی شهرداری هائی که به شکل سنتی در چپ ریشه داشتند به سوی حزب دست راستی «یو ام پی» (حزب اتحاد برای جنبش مردمی) متمایل شدند.

با استفاده از چنین شکستی برای ایجاد تحول، رئیس جمهور فرانسوا هولاند گزینش نخست وزیر جدید مانوئل والس را اعلام کرد و به او برای تشکیل دولت جدید مأموریت داد «منسجم، هماهنگ و متحد» به هدف متحقق ساختن بیانیه های ۱۴ جنوری. رئیس جمهور براین اساس فکر می کند که پا جای پای فرانسوا میتران می گذارد که در جولای ۱۹۸۴، نخست وزیر مدافع کارگران یعنی پی یر مورو و ۱۰۱ پیشنهادش را برکنار کرد تا با انتخاب بورژوازی بزرگی مانند لوران فبیوس سیاست «واقعگرایانه تری» را در پیش گیرد.

همان گونه که کمونیست ها از شرکت در دولت فبیوس که مأمور پاسخگویی به قول و قرار های اجتماعی انتخابات ریاست جمهوری بود قطع نظر کردند، سبزه ها از دولت والس کناره گرفتند زیرا نمی خواستند شریک شکست قابل پیشبینی او باشند. به همان شکلی که فرانسوا میتران برای تسکین خصومت اسرائیل یک نخست وزیر یهودی و صهیونیست را انتخاب کرد، فرانسوا هولاند نیز یکی از متعهد ترین شخصیت های مدافع اشغال فلسطین را برگزید. همان گونه که لوران فبیوس نخست وزیر جوان و بی تجربه ای نزد فرانسوا میتران بود، به همین گونه مانوئل والس به تنهایی قادر به تشکیل دولت نبود و به پیشنهادات و نظریات ریاست جمهوری نیاز داشت.

با این وجود، اگر فرانسوا میتران در سیاست و انتخاب مردان سیاست در سال ۱۹۸۴ تغییر حقیقی ایجاد کرد، فرانسوا هولاند همچنان به سیاست خود که طی یک سال و نیم اول شروع کرده بود ادامه می دهد. دولت جدید نیز دارای همان ترکیب قدیمی است ولی به استثناء دو مورد، مادر فرزندان سگولن رویال، و دوست قدیمی اش فرانسوا ریسمان. می توانیم نتیجه بگیریم که او پرچم ژول فری را رها نکرده است، ولی می توانیم الگوی مناسبات با سرمایه داری بزرگ نزد گرهارد شرودر را به آن اضافه کنیم.

دولت مانوئل والس

هنگام سخنرانی اش به مناسبت گزینش خود در مجمع ملی، ۸ اپریل، مانوئل والس آگاهانه رویکردهای رئیس جمهور هولاند را مطرح کرد «منشور مسئولیت» با سندیکای کارفرمایان، «انتقال انرژی» برای سبزه ها، و «منشور اجتماعی» برای طبقات مردمی. یعنی انتخاب های هدفمند برای خشنودی قشرهای رأی دهندگان و نه برای سیاستی جامع و هماهنگ.

در نتیجه نیازهای فرانسه به سادگی قابل بررسی به نظر می رسد: از چندین سال پیش دولت از امکانات مداخله خود چشم پوشی کرده، به عنوان مثال از پول خود قطع نظر کرد، و در عین حال ضخامت اداری را افزایش داد، قوانین و موازین. در پایان، قدرت در هرج و مرج اداری از هر گونه تأثیر گذاری باز ایستاد.

اگر چند مسئول سیاسی از این روند انتقاد می کنند، نادر هستند افرادی که واقعاً برای تحول آن پیشنهادی مطرح کنند. در واقع، این روند تحت نظر حاکمیت ایالات متحده است و هر تغییری موجب بحران در سطح سیاست بین المللی خواهد شد، همان گونه که سال ۱۹۶۶ در ریاست جمهوری شارل دوگل به وقوع پیوست، وقتی بود که ناتو به بیرون از فرانسه رانده شد.

بی فایده نیست که به اشارات مانوئل والس به طرح بزرگ او در بیانیه اش بپردازیم که پیش از این مطرح نشده بود. پس از اظهار دلبستگی به اتحادیه اروپا و زوج فرانسه و آلمان، در عین حال با اعتراض به گزینش های بانک مرکزی اروپا، نخست وزیر اعلام کرد که می خواهد در «هزار برگ منطقه ئی» عمیقاً تحول ببخشد. طی سال ها، به استان ها

و بخش ها، مناطق دیگری افزوده شده. او پیشنهاد کرد تعداد مناطق به دو تقسیم شود، و بخش ها (دپارتمان) با شوراهای منطقه ئی حذف شود و بخش ها به یک دیگر بپیوندند و احتمالاً مناطق کوچکتر حذف شود. اگر همه بر این باور باشند که «هزار برگ» قابل هضم نبوده و گران تمام می شود، گزینش حذف مناطق جزء تاریخ سیاسی فرانسه نبوده ولی طرح پیوستن دولت- ملت ها به اتحادیه اروپا است. این طرح که در زمان طرح مارشال توسط ایالات متحده مطرح گردید، جانشین مناطق بزرگ دولت- ملت ها خواهد شد و حاکمیت را به دیوان سالاری، یعنی کمیسیون اروپا منتقل خواهد کرد. این طرح کاملاً با طرح منطقه گرایی گولیست سال ۱۹۶۹ در تضاد می باشد.

جای شگفتی است که می بینیم این اصلاحات از سوی نخست وزیر به عنوان یک متغیر برای تنظیم امور اقتصادی مطرح می شود در حالی که غایت نهائی آن، حذف دولت فرانسه و در نتیجه جمهوری فرانسه به نفع دیوان سالاری بروکسل است (یعنی اتحادیه اروپا و ناتو).

با این وجود مانوئل والس سخنرانی خود را با یک قطعه در مدح جمهوری به پایان رساند. او به شکل عجیب و غریبی اعلام کرد که «فرانسه آری، تکبر است که فکر کنیم آنچه را که در اینجا انجام می دهیم برای بقیه جهان نیز معتبر است. این «تکبر فرانسوی» نزد همسایگان ما مشهور است که غالباً به ما نسبت می دهند، در واقع دست و دل بازی بزرگی در مورد کشوری که می خواهد فراتر از خود برود».

دو جمله مبهم که می تواند به مفهوم خواست تبدیل شدن به الگو باشد، ولی در عین حال یاد آور «انجام وظیفه برای تمدن» است که ژول فری در رابطه با حمله به تونس و چین به زبان آورد.

فرانسه به چه سونی حرکت می کند؟

تغییرات دولت به رأی فرانسوی ها در انتخابات شهرداری پاسخ نمی گوید، ولی به ستراتیژی شخصی فرانسوا هولاند پاسخ می دهد که به تدریج اهداف عینی او در زمینه سیاسی آشکار می گردد: از سرگیری استعمار و دفاع از منافع کارفرمایان. سندیکای کارفرمایان تنها می تواند نماینده منافع سرمایه باشد. در اینجا ما از جمهوری یعنی از جست و جوی منافع عمومی خیلی دور هستیم.

این سیاست منطق خاص خود را دارد: در دوران بحران، افزایش بهره کشی از طبقه کارگر امکان پذیر نیست، باید در جست و جوی منافع بزرگ در خارج باشیم، نزد ملت هائی که امکان دفاع از خود را ندارند. در سوریه و در افریقا باز هم خون ریزی ادامه خواهد یافت، در حالی که فقر در فرانسه گسترش می یابد.

۱] «[La France selon François Hollande](#)», par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire ۳۰, juillet 2012.

۲] «[Discours de François Hollande à la 3ème réunion du Groupe des amis du peuple syrien](#)», par François Hollande, Réseau Voltaire ۶, juillet 2012.

۳] «[Mali : une guerre peut en cacher une autre](#)», par Thierry Meyssan, Al-Watan/Réseau Voltaire ۲۱, janvier 2013.

۴] «[Contradictions françaises en Centrafrique](#)», Réseau Voltaire ۱۳, décembre 2013.

۵] «[Gaza : la France supervise le prolongement du Mur de séparation](#)», Réseau Voltaire ۲۶, décembre 2009

«زیر چشمان ما»

۷۷ مین واقعه نگاری سیاست بین المللی